



غلامحسین ابراهیمی دینانی: همه انسانها به عالم معنی راه دارند/ زیبایی چیست؟

دینانی در برنامه معرفت گفت: همه اشخاص به عالم معنی راه دارند، آنهایی که منکر عالم معنی هستند، نادان هستند. محال است انسان به عالم معنی راه نداشته باشد. عالم معنی گسترده تر از عالم حس است.

دینانی در برنامه معرفت گفت: همه اشخاص به عالم معنی راه دارند، آنهایی که منکر عالم معنی هستند، نادان هستند. محال است انسان به عالم معنی راه نداشته باشد. عالم معنی گسترده تر از عالم حس است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه، عصر دیروز جمعه سوم شهریور ماه، در تشریح یکی از اشعار مولانا در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می شد، گفت: این اشعار توحیدی است اما به زبان خاصی از توحید سخن می گوید. به کتب فلسفی که مراجعه کنید استدلال عقل است و برهان انی و لمی و برهان صدیقین که برای اثبات خداوند است که البته همه آنها درست است.

دینانی تصریح کرد: مولوی از برهان انی و لمی صحبت نمی کند، حتی از استدلال عقلی در این شعر صحبت نمی کند. از چیزی که عام ترین احساس و ادراک برای بشر است و آن احساس بوییدن است صحبت می کند. به نظر من احساس بوییدن مظلوم است. ما غالبا از دیدنی هایمان حرف می زنیم ولی کمتر دیده می شود که از حس بوییدن سخن گفته شود.

وی با اشاره به اینکه در این شعر مولوی وارد حس بوییدن شده است، گفت: مولوی چگونه وارد بوییدن و بوی خداوند شده است؟ او می گوید از همه جای بوی خدا را می شنوم. حال این سوال پیش می آید مگر خداوند بو دارد؟

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با اشاره به اهمیت زیبایی و محبت افزود: اول حسن است آنگاه محبت و عشق. عشق و محبت در هر درجه ای از درجات محبت زاییده حسن است.

چهره ماندگار فلسفه با اشاره به لغت حسن خاطرنشان کرد: حسن، لغت عربی است که به فارسی زیبایی می شود. اگر زیبایی در عالم وجود نداشت، ما نمی توانستیم زیبایی بسازیم. اگر از نخست زیبایی را در جهان بیرون ندیده بودیم، نمی توانستیم کاخی از زیبایی بسازیم.

وی با طرح این سوال که زیبایی چیست، گفت: اشخاص هنرمند و اشخاص عالم و حکیم برای زیبایی صدها تعریف کرده اند. همه آنها هم به وجهی درست می گویند. حالا چرا این همه تعدد تعریف وجود دارد و اشخاص مختلف تعبیر مختلف می کنند؟ برای اینکه زیبایی عمیق است. زیبایی هم مراتب دارد.

وی افزود: ما معمولا زیبایی ها را در صورت می بینیم. آنچه که می بینیم و آنچه می شنویم و آنچه که می بوییم و لمس می کنیم، محسوس هستند و به عالم حسن تعلق دارند. حالا آیا زیبایی معنوی داریم یا خیر؟ چیزی که با چشم نتوان دید، با گوش و لمس و ذائقه و شامه و حس نتوانیم درکش کنیم ولی زیبا باشد. آن زیبایی، زیبایی معقول است. عالم معنا زیباست. صورت زیبا، زیبایی خود را از معنا می گیرد.

دینانی خاطرنشان کرد: آن چیزی که می بوییم، می گوئیم خوشبو است و آن چیزی که می خوریم می گوئیم خوشمزه است. با ذائقه خوشمزه تعبیر می کنیم، با شامه خوشبو تعبیر می کنیم و با چشم می گوئیم زیباست. حالا چه فرقی است بین زیبایی و خوشمزه بودن و خوشبو بودن؟ چرا در آن دو مورد که دیدن و شنیدن باشد می گوئیم زیبا بود ولی در دو مورد دیگر می گوئیم خوشبو و خوشمزه بود؟

وی تاکید کرد: هم خوشمزه زیباست هم خوشبو زیباست و هم آنچه می بینیم زیباست و هر آنچه می شنویم زیباست ولی زیبایی آنچنان عمیق و گسترده است که در جایی اسم زیبایی دارد و در جایی دیگر اسم خوشمزگی و خوشبویی دارد و همه & laquo;خوش ها& raquo; به انواع مختلف همه خوشی هستند. همه تجلیات رنگارنگ و گوناگون زیبایی هستند. زیبایی به صد جلوه ظاهر می شود. با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را.

وی گریزی هم به یکی از غزلیات حافظ زد و گفت: حسن روزافزون به چه معناست؟ شما یک گل را می بینید زیباست.

زیبا زیباست. در ریاضیات اگر هزار بار هم بگویند دو به علاوه دو می شود چهار اما در زیبایی مخصوصا اگر عمیق باشد اگر صد بار هم نگاه کنیم هر بار یک جلوه ای تازه دارد. هر نگاهی غیر از نگاه اول است. این را می گویند حسن روزافزون. این حسن روزافزون را حضرت یوسف داشته است و این حسن روزافزون را منبع زیبایی حق تبارک تعالی به حضرت یوسف داده بود.

وی ادامه داد: هم مکان زیباست هم زمان زیباست. هم توالی اعداد و هم نظم ریاضیات زیبایی دارند. همه این زیبایی ها که زیبایی کمی هستند، جلوه ای از زیبایی اند که کم و کیف دارند. ما زیبایی کمی داریم و زیبایی کیفی و زیبایی کمی و کیفی جلوه ای از زیبایی مطلق هستند.

دینانی با اشاره به اینکه انسان بوییدنی ها را و چشیدنی ها را با مفهوم می فهمد یا بدون مفهوم، گفت: ما هر چه می فهمیم با مفهوم می فهمیم و با مفهوم هم بیان می کنیم. اما گاهی چشیدنی ها و بوییدنی ها را نمی توانیم در مفهوم بیاوریم.

وی ادامه داد: همه اشخاص به عالم معنی راه دارند. آنهایی که منکر عالم معنی هستند، نادان هستند. محال است انسان به عالم معنی راه نداشته باشد. عالم معنی گسترده تر از عالم حس است. می شود از عالم معانی صحبت کرد اما شنونده شما اگر به آن معانی شما راه نیافته باشد از سخن شما آن معانی را نمی فهمد. زمانی می فهمد که آن معنی را در خودش داشته باشد.

دینانی در خاتمه اظهار داشت: انسان چقدر فراز و نشیب دارد. گاهی طارم اعلی و مافوق طارم اعلی را می بیند و گاهی جلوی پای خودش را نمی بیند. این همان آدم است. این چه حالی است که پیش پای خود را نمی بیند ولی طارم اعلی و مافوق طارم اعلی را استنباط می کند؟ دو حال آدمی. انسان به بدترین وضع پستی می رود و بالاترین اوج. مراتب صعود و نزول انسان چقدر است؟ هیچ موجودی در عالم فراز و فرود انسان را ندارد. هر موجودی فراز و فرود دارد، ولی محدود است. انسان در پستی به جایی می رسد که هیچ موجود پستی به پای آن نمی رسد، یعنی در پستی از هر پستی پست تر است و در تعالی و به فراز رفتن از هر موجود دیگری بیشتر اوج می گیرد. چه موجودی قدرت پرواز آدمی را دارد؟